

بازتاب حقوق انسان در قرآن کریم

دکتر محمد باغستانی

نخستین مرحله بعثت و دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم با سه سال زمان، تقریباً از مراحل ناشناخته دعوت اسلامی محسوب می‌شود. آگاهی لازم از چگونگی تحول افراد و چگونگی پذیرش اسلام از سوی آنان در منابع تاریخی و حدیثی بازتابی اندک داشته است.

اما با این همه، اهمیت این دوره کوتاه و پنهان به آن اندازه است که در آغاز سال چهارم بعثت که آن حضرت با نزول آیه انذار، دعوت علنی خود را آغاز کرد تنها نبود، بلکه گروهی تازه مسلمان همراه او بودند که هسته نخستین یاران او را تشکیل داده و در برابر همه دشواری‌ها و مصایبی که مشرکان به آن‌ها وارد کردند ایستادگی نمودند و دعوت اسلامی را به پیش بردند.

پرسش اصلی این است که در سه سال آغاز دعوت چه وقایعی رخ داد که موجب تحول عمیق روحی نو مسلمانان شد و آن‌ها را برای پذیرش همه آزارهای قریش آماده کرد اما برای دست کشیدن از عقیده نو هرگز؟

به دنبال فقدان منابع تاریخی و حدیثی، تنها قرآن کریم به رغم آن که در تحلیل‌های تاریخی مورخان و پژوهشگران سیره، کمتر جایگاهی درخور یافته، می‌تواند پرتوی بر فضای تاریک این سه سال بیافکند. زیرا محتوای دعوت نبوی به عنوان مهم‌ترین عامل پذیرش اسلام از سوی نومسلمانان تنها در قرآن قابل دستیابی است. این که در سه سال نخستین دعوت، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به چه مفاهیمی مردم را فرا می‌خوانده و چه نوع سلوک فکری و عملی را از آن‌ها می‌طلبیده همه راز توفیق ایشان را در گسترش دعوت خود و ایجاد یک هسته اولیه مطمئن در دعوت اسلامی را روشن می‌سازد.

پس از توحید که نخستین و مهم‌ترین اصل اعتقادی مسلمانان است و نیز معاد که اهمیت فراوانی در ترغیب و تشویق آن‌ها به انجام امور پسندیده و پرهیز از کارهای ناپسند دارد، به نظر می‌رسد که حقوق انسان به صورت فردی و اجتماعی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در دعوت اسلامی وجود داشته و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آشکارا به نو مسلمانان نشان می‌دهد که پایه دعوت او آشنایی انسان‌ها با حقوقشان است.

این حقوق به ویژه در جنبه اجتماعی پر رنگ‌تر است.

البته این نکته نیز می‌تواند مطرح گردد که آیا برای ایجاد حرکت اجتماعی و تشکیل یک گروه معتقد به یک آرمان اجتماعی راهی به جز این نیز وجود دارد؟ یعنی رهبر و ایدئولوگ هر جریان اجتماعی می‌تواند به جز تکیه بر حقوق انسانی از راهی دیگر موجدی اجتماعی بیافریند؟

این پرسش از آن جهت مهم است که با مطالعه تاریخ جنبش‌ها و جریان‌های موفق و ناموفق اجتماعی گوناگون می‌توان ادعا کرد که همه آن‌ها در مرحله آغازین خود بر حقوق انسانی تکیه کرده‌اند و آن گاه که به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند از تکالیف سخن گفته و گاه از حقوق وعده داده شده نخستین پیروانشان دست شسته و از آن‌ها کاسته‌اند.

در پاسخ باید گفت که:

با توجه به این که دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فراخوان‌های نخستین یک دعوت دینی است، که انتظار می‌رفته تا مطالبات صرفاً معنوی و روحانی در آن از حجم بالایی برخوردار باشد و همانند دعوت‌های دینی مشابه، مخاطبان خود را به پالایش‌های روحی فراخوانده و با ارایه دستورالعمل‌هایی، طریق سلوک معنوی را به آن‌ها بیاموزاند نه یک جنبش صرف اجتماعی.

اما با بررسی محتوای مراحل نخستین دعوت اسلامی مشاهده می‌شود که حجم بسیار بالایی از موضوعات دعوت، جنبه اجتماعی داشته و آشکارا موضوع حقوق انسانی در جامعه را از ابعاد گوناگون طرح کرده است. و این شاهد مهم تاریخی می‌تواند ذات اجتماعی سلوک اسلامی را اثبات نماید و نگره‌های صرفاً روحانی و معنوی به این آیین را نفی کند و نیز معیار روشنی برای تشخیص میزان هماهنگی و تطابق میان گرایش‌های مذهبی بعدی در تاریخ اسلام با محتوای اصلی دعوت اسلامی باشد.

رویکرد ما در این پژوهش به قرآن کریم برپایه اصول زیر استوار است:
اول: ضمن پذیرش رویکردهای گوناگون به قرآن کریم در این روش به مثابه یک متن تاریخی به آن نگاه خواهد شد.

دوم: توجه به شأن نزول‌ها و ترتیب آیات و سوره‌ها برپایه زمان نزول آن‌ها بر اساس جدول موجود در کتاب «تاریخ تحول قرآن» است.

سوم: بررسی مذکور شامل سوره‌های تاریخی سه سال آغاز بعثت است.
چهارم: موضوع حقوق انسان (بشر) برگزیده شد تا گواهی باشد بر اثبات این پیش فرض که آشنایی نو مسلمانان با حقوقی انسانی خود از مهم‌ترین عوامل کسب هویت تازه و تثبیت شخصیت نو آن‌ها و نیز پایداری ایشان در برابر فشار مشرکان بوده است.

پنجم: هدف اصلی از این مقاله ارائه تصویری عام از بازتاب حقوق انسانی در قرآن کریم است و به تبع مقایسه و ارزش‌گذاری میان آن‌چه در قرآن کریم از حقوق انسانی سخن گفته شده با ارزش‌های حقوقی تازه در روابط بشری از حوصله این مقاله بیرون است.

ششم: مراد از واژه حق انسان همان مفهوم عام پیدا شده در روابط فردی و اجتماعی انسانی است که لازم است هم خود بداند و رعایت کند و هم دیگران درباره او بدانند و رعایت کنند. مفهومی که محصول اختیار انسانی است و قابل استناد به او، از این رو از طرح مباحث پیچیده حقوقی در این پژوهش خودداری شده است.

هفتم: برداشت‌ها از آیات قرآنی نخست برپایه دریافت اولیه، از واژگان آیات قرآنی است که محصول نگرش لغت‌شناسانه است و گاه نیز با استفاده از صراحت منطوق یا «مفهوم مخالف» که در ادبیات و بحث الفاظ علم مورد تأیید است صورت می‌گیرد. روشی که کم و بیش در «تفسیر راهنما» دنبال شده است.

هشتم: واژه‌های «انسان»، «ناس» و ضمائر جمع خطابی و غیابی بیشترین واژه‌های موجود در این بخش از آیات قرآنی است که به استنتاج‌های این پژوهش کمک کرده است.

نهم: هرگز ادعای انحصار در موارد یاد شده یا صحت مصادیق در همه موارد وجود ندارد و به طور طبیعی راه برای اظهار نظر خوانندگان باز خواهد بود.

سال اول بعثت:

در این سال پانزده سوره کامل و ناقص بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شدند که به ترتیب عبارتند از:

علق، مدثر، عصر، ذاریات، تکوین، طور، اخلاص، غاشیه، طارق، انفطار، شمس، کوثر، اعلی، بروج و تکویر. نخستین حق مطرح شده در این سوره‌ها عبارتست از:

1) حق حیات عمومی

مردم بیش و پیش از هر حقی پس از به دنیا آمدن حق تداوم حیات دارند و باید از زندگی برخوردار شوند و کسی یا گروهی مجاز نیست تا این حق اولیه را که مادر، پایه و اساس دیگر حقوق انسانی است از آن‌ها سلب نماید.

در چهاردهمین سوره (بروج) آیاتی چنین نازل شده است:

«قتل اصحاب الاخذود X النار ذات الوقود X اذهم علیها قعود X و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود X و ما نقموا منهم الا ان يؤمنوا بالله العزیز الحمید»

در این تصویر گودال‌های پر از آتش ترسیم شده که گروهی در حال سوخته شدن هستند و گروهی دیگر بر لب گودال‌ها در حال تماشای آنانند از گروه اول به عنوان مؤمنان یاد شده است اما لقبی برای گروه دوم نیامده است.

در منابع تاریخی داستان ذونواس پادشاه یهودی یمنی در سده چهارم میلادی ذکر شده که چگونه به انتقام‌گیری از مسیحیان پرداخت و مؤمنان مسیحی را دسته دسته در گودال‌های پر از آتش افکند و ایشان را زنده زنده سوزاند.¹

لحن تأسف بار آیات الهی از حق حیات و زندگی گروهی از انسان‌های مؤمن یاد می‌کند که تنها به جرم ابراز عقیده خویش به خداوند، در آتش سوزانده شدند.

نکته جالب آن که این واقعه در یمن رخ داده که منطقه‌ای بیرون از حجاز و نزدیک‌ترین جایی است که هم ارتباط اعراب با آن‌جا زیاد بوده و هم این داستان برای آن‌ها مشهور بوده است. و قرآن در سده هفتم میلادی از ماجرای تاریخی در سیصد سال قبل از خود راجع به حق حیات گروهی از مردم یاد کرده است. در پانزدهمین و آخرین سوره‌ای که در سال اول بعثت نازل شده (تکویر) بار دیگر خداوند به بهانه برپایی قیامت، که ویژگی بارز آن رسیدگی به حقوق انسانی و اجرای عدالت است از حق حیات دخترانی که در میان خود اعراب زنده به گور شدند سخن گفته «واذا الموءدة سئلت»

این پرسش کوتاه از سنت و رسمی زشت، پرسش از واقعیت تاریخی است که در میان اعراب ولو در میان بعضی از آن‌ها وجود داشته و قرآن کریم با طرح آن، علاوه بر پرداختن به یک واقعیت زندگی اجتماعی

اعراب، نشان می‌دهد که هر انسانی که به دنیا آمد حق حیات دارد چه مؤمنان مسیحی سیصد سال پیش از این، چه دختران تازه به دنیا آمده در جامعه عربی! منطق تازه این دین حمایت از حق حیات یکسان برای عموم مردمان در همه رده‌های سنی و با همه تفاوت‌های جنسی و فکری و منطقه‌ای میان آنان است. به این ترتیب نومسلمانان در حالی سال نخست بعثت را به پایان می‌برند که با اصلی‌ترین حق فردی و اجتماعی انسان که همان حق برخورداری و بهره‌برداری از زندگی است آشنا شده و لزوم احترام به آن را دریافته‌اند. گستردگی این حق چنان است که هیچ گروهی به دلیل عنوان‌ها و مناصب و نسبت‌های خود با انسان حق گرفتن آن را از او ندارند. چه حاکمان یهودی قرن چهارم میلادی در یمن و چه پدران عرب بادیه‌نشین در حجاز.

سال دوم بعثت

در این سال نیز هیجده سوره کامل و ناقص بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نازل شد که به ترتیب عبارتند از:

انشراح / ضحی / ناس / نازعات / مدثر / لیل / ماعون / معارج / شمس / مرسلات / نبأ / قریش / نجم / فجر / انشقاق / عبس / همزه / کافرون. در این سوره‌ها به حقوق انسانی زیر اشاره شده است.

2) حق برخورداری از شخصیت اجتماعی و انسانی مستقل

در دومین سوره نازل شده در این سال (ضحی) خداوند ضمن یادآوری دوران کودکی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم که به یتیمی گذشته و در پناه لطف او پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم پرورش یافته از رسول می‌خواهد تا یتیم را از نظر شخصیتی تحقیر نکند.

«ألم یجدک یتیمًا فآوی X و وجدک ضالًّا فهدی X و وجدک عائلًا فاغنی X فإما الیتیم فلا تقهر»

نکته اول: با توجه به ساختار نظام خانواده و نقش اساسی پدر در سرپرستی کودکان، مهم‌ترین کمبود یتیمان، فقدان زمینه‌های برخورداری آن‌ها از دستیابی به یک شخصیت اجتماعی است به ویژه در جامعه جاهلی که بر نسب و تفاخرهای نسبی استوار بود. خداوند درباره رعایت حقوق مردم به یکی از ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی مردم اشاره کرده و به جامعه انسانی هشدار می‌دهد که یکی از نقطه‌های کلان آسیب‌پذیری اجتماعی رهاکردن کودکان بی‌سرپرست است که می‌تواند یک فاجعه بزرگ اجتماعی را رقم زند. راز توجه فراوان امام علی علیه السلام به ایتم و سفارش‌های بی‌اندازه حضرت به رعایت حال آن‌ها در خطبه‌های نهج‌البلاغه² در پرتو همین اصل قرآنی است.

نکته دوم: با یادآوری گذشته پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و شخصیت فعلی او نخستین گام را در وصف شخصیت مستقل هر انسان جدا از وابستگی‌های نسبی و سببی او برداشته و نظام جمع‌گرای قبیله‌ای را که در آن شخصیت فردی افراد در کیان قبیله گم می‌شد را به چالش می‌کشاند. و این کار را با طرح شخصیت مستقل حقوقی ایتم و (اقلیت بسیار ضعیف) آن روز جامعه عربی آغاز کرده است.

(3) حق برابری انسان‌ها در پیشگاه خداوند

در سومین سوره (ناس) خداوند به جای هر وصف دیگری خود را چنین معرفی می‌کند: «قل اعوذ برب الناس X ملک الناس X اله الناس» پرورش دهنده مردم، پادشاه مردم و معبود آن‌ها نخست حق انحصاری حاکمیت بر مردم را به اعتبار پرورش‌گری خداوند منتسب به او اعلام می‌کند و سپس حاکمیت انحصاری طبقه خاص مانند اشراف و رؤسای قبایل را که به طور سنتی در سده‌های مختلف در میان قبایل مکه و عربستان رواج داشته را به نقد کشیده و آن را نامشروع اعلام می‌کند که با نفی حق اشراف، زمینه را برای حق حاکمیت عمومی فراهم آورده به ویژه که خود را خدای اشراف نمی‌داند چنان که آن‌ها خود اعلام می‌کردند و می‌کوشیدند تا به مردم اثبات کنند که از تقرب بیشتری به خداوند برخوردارند بلکه او خدای همه مردم است.

(4) حق برخورداری بزرگترین ستمگران از هدایت الهی

در چهارمین سوره نازل شده در سال دوم بعثت (نازعات) خداوند از پدیده شگفتی یاد می‌کند: «ذهب الی فرعون انه طغی X فقل هل لک الی ان تزکی X وأهدیک الی ربک فتخشی X فأراه الآیة الکبری X فکذب و عصی» خداوند نقطه اوج ستمگری را در این آیه نشانه رفته است و نشان می‌دهد که انسان به هر رتبه از سقوط و گمراهی و ستم برسد باز حق برخورداری از هدایت الهی را داراست حتی فرعون که ادعای خدایی می‌کرد.

این نگاه نسبی به انسان‌ها ایده‌های تازه‌ای در باب ماهیت انسان را پیش روی نومسلمانان نهاده است. و دایره حقوق انسان حتی در پست‌ترین حالت‌های او (ستم‌کاری و ادعای ربوبیت) را نشان می‌دهد.

(5) حق برخورداری عمومی از نعمت‌های طبیعت

در ادامه همان سوره (نازعات) خداوند پس از وصف نعمت‌های طبیعی خود مانند کوه، دشت، آسمان و زمین و چراگاه‌ها، همه آن‌ها را متاع و بهره انسان‌ها و چهارپایان در خدمت انسان می‌داند «متاعاً لکم و لانعامکم» و از حق بهره‌وری عمومی همه مردم از نعمت‌های طبیعی یاد می‌کند.

(6) حق برخورداری کامل از کار و کوشش شخصی

در این سال خداوند با نزول آیه «و ان لیس للانسان الا ما سعی» بر حق انحصاری هر یک از آحاد مردم در بهره‌برداری از ثمره کوشش‌ها و تلاش‌های شخصی و اجتماعی خود تأکید ورزیده و با توجه به ترکیب ادبی این آیه حق بهره‌برداری را منحصر به زمانی می‌کند که محصول سعی و تلاش خود انسان باشد و به این ترتیب آیه با سبک کنایی، از تجاوز به محصول کوشش دیگران که از جمله حقوق اختصاصی آن‌هاست، انسان را باز می‌دارد.

(7) حق برخورداری از نظام چرخش صحیح ثروتس

سوره لیل ششمین سوره‌ای است که در سال دوم بعثت نازل شده و دوآیه آن می‌تواند بیان‌گر حق فوق باشد.

«أما من أعطى واتقى X و صدق بالحسنى X فسنيسره لليسرى X و اما من بخل و استغنى X و كذب بالحسنى X فسنيسره للعسرى».

در یک زندگی اجتماعی مطلوب مردم حق دارند تا در گردونه چرخش صحیح ثروت نقش ایفا کنند تا مشکلات اجتماعی کمتری در جامعه پدید آید. از این رو افراد با ویژگی‌های خاص می‌توانند به گردش صحیح چرخه کلان اقتصادی کمک کنند و با ویژگی‌های دیگر می‌توانند این چرخه را دچار کندی یا توقف نمایند.

در سوره «لیل» خداوند با مثل زدن دو تیپ از شخصیت‌های اقتصادی «بخشندگان» و «بخیلان» و ارتباط دادن این اوصاف به عقیده آن‌ها درباره خداوند، جامعه مطلوب را که خداوند برای مردم می‌پسندد، بیان داشته است. در این جامعه مردم حق دارند تا از نظام چرخش صحیح ثروت برخوردار باشند و بخشندگان از این جنبه که به چرخش سریع‌تر این نظام اقتصادی کمک می‌کنند مدح شده و «بخیلان» به دلیل سنگ‌اندازی در این چرخه مطلوب اقتصادی نکوهش می‌شوند. بخشندگان با ایمان به خدا در زمینه‌های آسانی و سهولت قرار گرفته و برای جامعه نیز سهولت می‌آورند و بخیلان با عدم ایمان به خداوند به زمینه‌های دشوار و سخت افتاده و همین‌ها را نیز برای جامعه به ارمغان می‌آورند.

(8) حق برخورداری محرومان از حمایت‌های معنوی و مادی اجتماعی

در همین سال خداوند با نزول سوره «ماعون» از چند حق مهم دیگر جامعه انسانی به ویژه (اقلیت‌ها) سخن می‌گوید.

«أرأيت الذى يكذب بالدين X فذلك الذى يدع اليتيم» حق برخورداری از مهربانی.

محبت از اصول پایداری جوامع انسانی است بدان سان که هرگاه جامعه در میان خود از مهربانی با یکدیگر دست فروشوید باید در انتظار فروپاشی باشد. با توجه به جایگاه ویژه یتیم در جوامع انسانی و نیاز فراوان آن‌ها به برخورداری از محبت می‌توان براساس منطق قرآنی نوع برخورد جامعه را با یتیم از نشانه‌های سلامت اخلاقی یا عدم آن به حساب آورد. خشونت در حق یتیم می‌تواند زمینه‌ساز خشونت در میان سایر اقشار جامعه باشد.

در ادامه آیات این سوره چنین آمده: «و لا يحضّ على طعام المسكين»

یکی از حقوق طبیعی انسان در جامعه حق برخورداری او از خوراک برای ادامه حیات است که نخستین حق طبیعی او است. مسکین نماد همه کسانی است که توان رسیدن به حق استفاده از خوراک را ندارند و از این رو حیات ایشان به مخاطره افتاده است. خداوند با ایجاد پیوند میان تکذیب دین الهی و تشویق نکردن اطعام مسکین بار دیگر جامعه مطلوب خود را چنین وصف می‌کند: جامعه‌ای که همه مردم نیز بتوانند به خوراک دست یابند و تداوم حیات آن‌ها تضمین شود.

در هفدهمین سوره نازل شده «عبس» در همین سال، خداوند از رفتار خاصی با یک نابینا نکوهش کرده است: «عبس و تولى X ان جاءه الاعمى»

زندگی اجتماعی نیازمند مؤانست و برخورداری مردم از انس با یکدیگر است. انسان در انس با دیگران از رشد و تکامل روحی بهره‌مند گردیده و به معایب و محاسن خویش پی می‌برد. این مؤانست هنگامی به یک رویه اجتماعی بدل می‌شود که اولاً طبیعی باشد و ثانیاً فراگیر بوده و عمومیت داشته باشد. در آغاز سوره عبس خداوند با ترسیم چهره گرفته یک انسان در هنگام آمدن انسان نابینای دیگر در کنارش به این نکته تذکر داده که دوری از نابینا به عنوان نماد یک طبقه اجتماعی نابرخوردار که حتی دور شدن دیگران را نمی‌تواند ببیند با وجود داشتن احساس انسانی، می‌تواند او را از یکی از حقوق اساسی خویش محروم سازد. نابینا و هریک از آحاد جامعه انسانی حق دارند تا بتوانند از جوار مؤانست با دیگران بهره‌مند شوند و این از حقوق اساسی آن‌هاست.

9) حق برخورداری از رفتار و گفتار صادقانه

مردم در پیوندهای اجتماعی با یکدیگر اگر نتوانند به هم اعتماد کنند پایه اصول اخلاقی و ارزشی در ذهن آن‌ها فروخواهد ریخت از این رو خداوند در سال دوم بعثت با نزول آیات: «وَلِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۱ الذین هم یراؤون» با نام بردن از یک صفت زشت به نام «ریاکاری»، از حق عمومی جامعه و مردم در برخورداری از رفتار و گفتار و کردار صادقانه سخن به میان آورده و نشان می‌دهد که «ریاکاری» پایه اعتماد عمومی مردم را نشانه رفته و آن‌ها را از یکی از حقوق مسلم خویش محروم ساخته است.

10) حق برخورداری از امکانات و وسایل زندگی

در همین سوره خداوند با استفاده از واژه «معاون» به وصف انحصارگرایان ثروت پرداخته که چگونه مردم را از داشتن وسایل ضروری زندگی منع می‌کنند. او اعلام می‌دارد همه مردم حق برخورداری از امکانات و وسایل ضروری زندگی را دارا هستند.

11) حق بهره‌وری محرومان از اموال ثروتمندان

هشتمین سوره نازل شده در سال دوم بعثت «معارج» است که در آن یکی از نشانه‌های نمازگزاران واقعی را روشن بودن و معین بودن حقوق محرومان در اموال آن‌ها می‌داند: «الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ»^۲ للساائل و المحروم»

این که ثروتمندان اهل ایمان جامعه به طور مداوم و ثابت در اندیشه فقرا باشند و حقوق معین آن‌ها در اموال خود را به رسمیت بشناسند همان چیزی است که خداوند خواسته است اگر در آیات سال اول بعثت صرفاً به لزوم رسیدگی و توجه به اقشاری مانند مسکینان و یتام و سائلان اشاره‌های کلی شده است در سال دوم آنان حق اقتصادی معینی از نظر خداوند در اموال و ثروت مؤمنان واقعی دارند مادامی که در رتبه سائل و مسکین قرار دارند.

12) حق برخورداری از امنیت اجتماعی

زندگی اجتماعی نیاز به برقراری امنیت از ابعاد گوناگون دارد که در آیات نازل شده در این سال مورد توجه قرار گرفته است. این ابعاد، عبارتند از:

امنیت جنسی

«الذین هم لفروجهم حافظون X الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین X فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون».

چارچوب ضابطه‌مند در روابط جنسی یکی از حقوق اساسی نظام اجتماعی اسلام است اگر در جامعه عرب جاهلی ضوابط مشخصی وجود نداشت در این آیات خداوند با ذکر وصف اهل ایمان و نمازگزاران واقعی به ویژه در قلمرو روابط جنسی و محدوده آزادی‌های آنها و اعلام ستمگری کسانی که این ضوابط را زیر پا بگذارند حق امنیت جنسی عمومی را برای جامعه به رسمیت می‌شناسد.

امنیت اقتصادی

در ادامه این بخش از آیه «والذین هم لاماناتهم... راعون» امانت‌داری در مسایل اقتصادی را از اصول شناخته شده شناخت نمازگزاران واقعی محسوب می‌دارد صفت امانت‌داری و امین بودن اصل فوق‌العاده مهم در رونق اقتصاد و تجارت است. و جامعه باید از آن برخوردار باشد.

امنیت قراردادها

در ادامه همان آیه «والذین هم... لاماناتهم راعون» بخش دیگری از روابط صحیح اجتماعی را بیان کرده که مبتنی بر رعایت عهد و قرار است چه کتبی و چه شفاهی. در جامعه نوین اسلامی مردم حق دارند تا از امنیت در قراردادها که به امنیت در دیگر روابط منجر می‌شود برخوردار باشند خداوند با ذکر این وصف می‌خواهد تا بنیاد اخلاقی در روابط اجتماعی و اقتصادی را پایه‌ریزی نماید.

امنیت اخلاقی

در هجدهمین سوره نازل شده «لمزه» در سال دوم بعثت خداوند به یکی دیگر از حقوق اساسی انسان اشاره دارد:

«ویل لکلّ همزة لمزة» امنیت اخلاقی و آبروی انسان آن اندازه مهم است که حتی در صحنه‌هایی که حضور ندارد عیب‌جویی از او ناپسند شمرده شده است زیرا در عیب‌جوئی همواره امنیت شخصیتی و آبرویی انسان به مخاطره می‌افتد و خداوند این حق انسانی را به رسمیت شناخته و اعلام می‌دارد که مردم باید از آن برخوردار باشند.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های استیفای حقوق فردی و اجتماعی برخورداری جامعه از سیستم قضایی کارآمد است و با نزول آیه «والذین هم بشهاداتهم قانمون» خداوند از یکی از ارکان حکم قاضیان که می‌تواند در استیفای حقوق واقعی بسیار مهم باشد و سیستم قضایی را نیز کارآمد کند «قامه شهادت» حقوق مردم است. این استواری و پابرجا بودن است که می‌تواند از حق دفاع کند و آن را جانشین باطل نماید.

(14) حق پرسش

در این سال سوره «نبأ» با این آیات نازل می‌شود: «عم یتسایلون عن النبأ العظیم» الذی هم فیه مختلفون X کلا سیعلمون X ثم کلا سیعلمون».

این سوره با پرسش آغاز شده است که گروهی از مردم از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم پرسیده‌اند خداوند با نزول این آیه خود را در مقام پاسخ‌گویی مردم قرار داده و آن گاه از اختلاف مردم در باب موضوع مورد پرسش سخن گفته و نکته مهم این که خبر می‌دهد که به زودی مردم پاسخ خود را دریافت خواهند کرد. از لحن پرسش در آیه چنین بر می‌آید که پرسش‌کنندگان گروهی از منکران خدا و معاد هستند اما تفاوت نمی‌کنند هر چه قدر که سرسختی نشان دهند باز هم حق پرسش برای آن‌ها محفوظ است.

پس در حق پرسش از خداوند تفاوتی میان مؤمنان و کفار نیست و خداوند مسئول پاسخ‌گویی است.

(15) حق برخورداری مردم از هدایت دینی صحیح

با نزول چهاردهمین سوره «نجم» در سال دوم بعثت که چنین آغاز شده: «والنجم اذا هوی X ما ضل صاحبکم و ما غوی X و ما ینطق عن الهوی X ان هو الا وحی یوحی X علمه شدید القوی».

مردم از حق برخورداری از هدایت صحیح بهره‌مند شدند خداوند با بیان آن که پیامبرش نه گمراه شده و نه بیراه می‌رود ضمن کوشش برای آمادگی ذهنی مردم برای آیات بعدی این سوره، این حق را برای مردم به رسمیت می‌شناسد که سخنان هدایت‌گرانی را بپذیرند که به آن‌ها و عقل و دریافت صحیح آن‌ها اطمینان کامل دارند. البته این موضوع در سال سوم با نزول سوره «الحاقه» پی‌گیری شده است و خداوند آشکارا بیان کرده که اگر پیامبرش بخواهد بعضی از گفتارهای خود را به جای وحی الهی قرار دهد و به خداوند نسبت دهد رگ گردن او را خواهد زد «ولو تقول علینا بعض الاقاول لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا عنه الوتین» در این آیه خداوند از حق برخورداری مردم از هدایت الهی ناب یاد کرده و نشان می‌دهد که اگر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است و اگر او در راه رسیدن وحی الهی به طور صحیح به مردم اختلال کند به خاطر محروم کردن آن‌ها از حق اساسی‌شان که دریافت صحیح وحی الهی است کشته خواهد شد.

(16) حق مطالبه دلیل علمی

در همین سوره «نجم» از مردم می‌خواهد تا در هنگام شنیدن مباحث اعتقادی مطالبه دلیل کنند آن‌گاه اعتقاد مشرکان را درباره جنسیت ملائکه، فاقد دلیل علمی می‌داند: «انّ الذین لا یؤمنون بالآخرة لیسمون الملائكة تسمیة الانثی X و ما لهم به من علم ان یتبعون الا الظن و ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً». خداوند بسیار مصر است تا مردم حق خود را در پیروی عالمانه و پذیرش مبتنی بر دلایل علمی بدانند و آگاه باشند که گمان، هرگز حق‌نما نیست و این حق آن‌هاست که به ویژه در مسایل اعتقادی از دلایل علمی برخوردار باشند.

17) حق برخورداری همه مردم زمین از عدالت و صلاح

در ادامه این سوره «نجم» آیات زیر نازل شده است: «و انه اهلك عاداً الاولی X و ثمود فما ابقی X و قوم نوح من قبل انهم كانوا هم اظلم و اطغی». زمین به عنوان مسکن مردم بسیار مورد توجه خداوند بوده است و اصلاح و افساد در آن از آن جا که در زندگی عمومی مردم مؤثر است بسیار حساس می‌باشد. در نگاه خداوند، ادامه حیات اقوام و ملت‌های گوناگون تا مادامی که در زمین ممکن است، نباید با فساد در زمین به خطر افتد. پس از سوره نجم در سوره فجر که پانزدهمین سوره سال دوم است موارد فوق بیشتر مورد تأیید قرار گرفته است:

«الم ترکیف فعل ربک بعاد X ارم ذات العماد X التی لم یخلق مثلها فی البلاد X و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد X و فرعون ذی الاوتاد X الذین طغوا فی البلاد X فصب علیهم ربک سوط عذاب» قوم عاد و ثمود و آل فرعون در مصر به همین دلیل هلاک شدند آنان حیات عمومی مردم را در عصر خود به مخاطره افکنده و بزرگترین حق عامه مردم را نادیده گرفته بودند.

18) حق برخورداری از آزادی در دین و مناسک دینی

در نوزدهمین و آخرین سوره نازل شده در سال دوم بعثت خداوند از مهم‌ترین حق انسان پس از حقوق اولیه زندگی که برخورداری از دین شخصی باشد یاد کرده است: «قل یا ایها الکافرون X لا اعبد ما تعبدون X و لا انتم عابدون ما اعبد X و لا انا عابد ما عبدتم و لا انتم عابدون ما اعبد X لکم دینکم ولی دین» نیاز انسان به معنویت و گرایش طبیعی او به دین از حقوق شخصی اوست خداوند ضمن اعلام حق برخورداری افراد از دین شخصی و انتخابی خود به جمع اعلام می‌کند که عقیده و دین خود را بر فرد تحمیل نکنند.

سال سوم بعثت

در این سال، بیست و نه سوره کامل و ناقص نازل شدند که عبارتند از:

باقی‌مانده آیات علق/ غاشیه/ قیامت/ تین/ واقعه/ رحمن/ اعلی/ فاتحه/ عادیات/ حاقه/ نازعات/ تبت/ فلق/ بلد/ تکوثر/ فیل/ قلم/ فجر/ زلزال/ طارق/ نجم/ قارعه/ صافات/ انفطار/ معارج/ مطففین/ دخان/ مؤمنون/ شعراء.

به دنبال دفاع از حق آزادی در دین و مناسک دینی برای افراد در پایان سال دوم، در آغاز سال سوم بعثت خداوند با نزول آیه‌ای در سوره علق: «أرأیت الذی ینهی X عبداً اذا صلی» به نکوهش کسانی پرداخته که از عبادت دینی دیگران جلوگیری می‌کنند و به این ترتیب از حق برگزاری آداب و رسوم دینی شخصی حمایت می‌کنند.

در ادامه حقوق دینی پیشین خداوند با نزول آیه «فذکر انما انت مدکر X لیست علیهم بمصیطر» از حق انتخاب انسان و لو در برابر پیامبران الهی دفاع کرده پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را واسطه فیض الهی می‌داند و او را در رتبه تذکر دهنده، قرار می‌دهد و رسماً اعلام می‌کند او هیچ تسلطی بر مردم ندارد. به دیگر عبارت مردم با وجود پیامبران الهی حق انتخاب طبیعی خود را از دست نخواهند داد.

19) حق برخورداری مردم از عدالت عمومی در بهره‌وری

با نزول ششمین سوره (رحمان) در سال سوم بعثت حق برخورداری مردم از عدالت عمومی نیز به رسمیت شناخته شد با آیه «لا تطغوا فی المیزان» و آیه «واقیموا الوزن بالقسط و لاتخسروا المیزان» بر حق عدالت اقتصادی و با آیه «والارض وضعها للانام» نیز بر حق عمومی همه مردم در بهره‌وری از زمین و عواید آن تأکید دارد.

چنان که با نزول سوره «مطففین» در همین سال، (کم‌فروشان) - گروهی که حق عمومی مردم را در بهره‌وری از عدالت اقتصادی به خطر می‌اندازند - را تهدید کرده است «ویل للمطففین X الذین اذا اکتالوا علی الناس یستوفون X واذا کالوهم او وزنوهم یخسرون».

20) حق برخورداری اهل قلم و نوشته‌های‌شان از احترام

در هفدهمین سوره «قلم» خداوند با نزول این آیه «والقلم و ما یسطرون» و سوگند خوردن به قلم و نوشته‌ها از استحقاق آن‌ها برای احترام عمومی یاد می‌کند. این حق به‌سان بسیاری از حقوق پیش گفته شده در زندگی عمومی مردم شبه جزیره شناخته شده نبود زیرا زندگی آن‌ها بدون نیاز به قلم می‌گذشت اما خداوند پیشاپیش جامعه نومسلمان را گامی به جلو برده و از حرمت قلم در آینده نه چندان دور سخن گفته است.

21) حق مردم در برخورداری از مصلحان

در سوره «شعرا» به این آیات می‌رسیم که «ولا تطیعوا امرالمسرفین X الذین یفسدون فی الارض و لایصلحون».

خداوند از اصلاح و افساد در زمین یاد کرده و اولی را باطل و دومی را مجاز اعلام می‌کند اصلاح در زمین حق مردم است چنان که افساد در آن ناحق است و بسیاری از گروه‌ها به دلیل افساد در زمین باید مطرود شوند زیرا حق عمومی مردم را رعایت نمی‌کنند.

22) حق برخورداری مردم از ارزش واقعی کالاهای خود

در ادامه آیات این سوره چنین آمده که: «ولا تبخسوا الناس اشیاءهم ولا تعثوا فی الارض مفسدین» در این جا خداوند حق اقتصادی مردم را مشخص تر کرده و یکی از مصادیق ظلم به آنها را کم ارزش کردن اموال و دارایی های آنها و نپرداختن قیمت واقعی آنها می داند.

با بررسی گذرای آیات نازل شده در سه ساله نخست دعوت این نکته ها آشکارتر می شود:

1. نظام حقوقی تازه اسلامی بعضی از آنها در گذشته وجود داشته و بسیاری از آنها با دقت های تازه و ظرافت های فراوان برای نخستین بار در جامعه عرب جاهلی مطرح گردیده است.
2. مردم نومسلمان به سبب آشنایی با این حقوق شناخت تازه ای از شخصیت انسانی خود پیدا کرده و به دلیل گیرایی های فراوان این هویت تازه و پاسخ گویی آن به نیازهای فراوان روحی و معنوی و مادی و انسانی مورد پذیرش قرار گرفته و عامل اصلی مقاومت آنها در برابر ارزش های جامعه جاهلی می گردد.
3. ارزش های تازه در قلمروهای گوناگونی چون رابطه انسان با خود، رابطه او با طبیعت، رابطه او با دیگر مردم و رابطه او با خداوند، نظام حقوقی تازه ای ایجاد کرده است.
4. اصل برداشت های مطرح شده از آیات قرآنی بر این پیش فرض مبتنی است که اصلی ترین مراد شارع ایجاد نظام حقوقی مناسب در ذهن و جامعه برای تسهیل شرایط هدایت عمومی به سوی خداوند است.
5. همچنین با بررسی این آیات می توان معیاری روشن در موضوع تقدم حق بر تکلیف در دعوت اسلامی به دست آورد.

1 - تاریخ اسلام، دکتر فیاض، ص 24.

2 - فرهنگ آفتاب، ذیل واژه یتیم).